

وضع تعرفه؛ فرصت یا تهدید

(تحلیل صندوق بین‌المللی پول از وضع تعرفه امریکا برای کشورهای نوظهور آسیای شرقی)

آقای مائوریس آبسفلد^۱ مشاور اقتصادی و مدیر بخش تحقیقات اقتصادی صندوق بین‌المللی پول در مقاله‌ای به موضوع تعرفه‌ها و بیش‌تر گرفتن اثرات زیان‌بار آن بر اثرات مثبت آن به ویژه بر اقتصاد امریکا پرداخته و در نهایت توجه سیاست‌گذاران اقتصادی کشورها را به لزوم اندیشیدن مجدد به این موضوع جلب کرده و بر ضرورت توجه جامع‌نگر به نحوه تنظیم سیاست‌های تعرفه‌ای تاکید می‌نماید. این مطلب ترجمه مقاله ایشان است که ذیلاً ارائه می‌گردد:

یکی از چالش‌های بلندمدت اقتصاد جهانی، احتمال رقابت برخی کشورها از طریق قیمت‌های ساختگی پایین در بازارهای صادراتی است. گاهی رهبران سیاسی و کارشناسان، برای خنثی کردن مزیت‌های قیمتی موجود، تعرفه‌های وارداتی وضع و فشارهایی برای تغییر سیاست خارجی اعمال می‌کنند. اعمال این تعرفه‌ها همان چیزی است که حامیان این تفکر را اغلب با شکست مواجه می‌کند، به اهدافشان صدمه می‌زند و ممکن است برای کشور مبدا بسیار پرهزینه باشد. حتی زمانی که شرکای تجاری آنها با تعرفه‌های خود، مقابله به مثل نمی‌کنند، باز هم ممکن است زیانی که این کشورها به خود وارد می‌کنند، بسیار قابل توجه باشد.

موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی (WTO) در مورد یارانه‌ها و اقدامات جبرانی^۲ این امکان را به کشورها می‌دهد به طور یک جانبه تعرفه گمرکی متقابلی بر واردات کالایی که برای تولید آن یارانه پرداخت شده، وضع کند. سیاست‌های دیگری که به طور واضح تحت تعریف دقیق WTO از یارانه قرار نمی‌گیرد، از جمله ارزش‌گذاری پایین نرخ ارز و انحرافات در اقتصاد کلان، نیز می‌توانند دارای اثرخالص کاهش قیمت‌های صادراتی داشته باشند و باعث اعتراض شرکای تجاری شوند. گفتمان سیاسی به منظور سخت‌گیری نسبت به شرکای تجاری که قیمت‌های صادراتی خود را به طور ساختگی پایین نگه می‌دارند، به هر دلیلی همواره بر اقدامات ملی یکجانبه تمرکز دارد. از نمونه‌های بارز این موضوع وضع قانون رقابت‌پذیری و تجارت اتوبوس در سال ۱۹۸۸ توسط کنگره امریکا را می‌توان نام برد که بدنبال تقویت دلار، تشدید کسری تجاری این کشور، اعتراض و فشار صنایع، تعرفه‌های جبرانی برای مقابله با آن وضع شد. اینگونه فشارها برای افزایش تعرفه‌ها محدود به کشور امریکا نبوده و اخیراً نیز آثار زیان‌بار آن بر تجارت جهانی نمایان شده که در گزارش چشم‌انداز اقتصاد جهانی آتی صندوق بین‌المللی پول به آن پرداخته خواهد شد.

مشکلی که در این رویکرد وجود دارد، این است که این رویه‌دهایی را به روی لابی‌گری صنایع می‌کشاید که معیارهای مورد استفاده در این روش در مقایسه با یارانه‌های مالی قابل اندازه‌گیری، از منظر کمتری برخوردار هستند. علاوه بر این، ممکن است حمایت‌های جبرانی، شرکای تجاری را وادار به اعمال تعرفه‌های تلافی‌جویانه نماید که احتمالاً منجر به بروز جنگ‌های تجاری مخرب می‌شود.

¹ - Maurice Obstfeld

² - Agreement on Subsidies and Countervailing Measures

معاونت بررسی های اقتصادی

یکی دیگر از ایراداتی که چنین تعرفه هایی دارند این است که: اگرچه آنها به صنایع و کارگرانی که به طور مستقیم با اثرات واردات رقابت می کنند، کمک می رساند، اما به طور کلی، انقباضی، کاهش دهنده تولید، سرمایه گذاری و اشتغال در کل اقتصاد خواهند بود. حتی اگر شرکای تجاری مقابله به مثل هم نکنند، باز هم این اثرات منفی وجود خواهد داشت؛ اگرچه در صورت مقابله به مثل آنها، نتیجه از این بدتر خواهد شد.

این پیش بینی ممکن است به نظر تعجب آور باشد. جدای از این موارد، با انتقال تقاضا به سمت کالاهای ساخت داخل و افزایش قیمت واردات، آیا نرخ تعرفه گمرکی، تولید و اشتغال را افزایش داده و منجر به افزایش فشار به تورم خواهد شد؟! پاسخ این پرسش که «خیر» است، بیش از نیم قرن پیش توسط رابرت ماندل^۳، برنده جایزه نوبل علوم اقتصادی (۱۹۹۹) و یکی از اعضای کمیته تحقیقات صندوق بین المللی پول در دهه ۱۹۶۰، داده شده بود. ماندل دلیل اصلی اینکه چرا تعرفه ممکن است چنین تاثیرات منفی داشته باشد، دریافت: با امید به بهبود وضعیت تراز پرداخت های کشور واردکننده، چنین رویکردی، پول داخلی را در بازار ارز خارجی تقویت خواهد کرد و احتمالاً تولید ناخالص داخلی (GDP) و اشتغال را کاهش خواهد داد و در نهایت منجر به بدتر شدن کسری تجاری خواهد شد. این اثرات، زمانی که سیاست بانک مرکزی کشور مبدأ مبنی بر نرخ بهره صفر و یا نزدیک صفر باشد- که مدل ماندل آن را در نظر نمی گیرد- شدیدتر خواهد بود. در آن صورت، بانک مرکزی برای اعمال سیاست پولی جهت جبران اثر انقباضی تعرفه، در تنگنا قرار خواهد گرفت.

اثر وضع تعرفه ها در دو سناریو

مسئله بررسی اثرات وضع تعرفه به وسیله مدل یکپارچه پولی و مالی^۴ صندوق بین المللی پول نشان داده شده است. این مدل پیچیده تر از چارچوب مدل ماندل بوده و دارای مزیت پوشش نواحی متعدد و دربرگیرنده اثرات پویای سیاست هاست. برای نمایش اثرات بالقوه، سناریویی در نمودارهای زیر در نظر گرفته شده است که واکنش چهار متغیر اقتصادی ایالات متحده امریکا را پس از وضع تعرفه ۲۰ درصدی بر واردات از کشورهای نوظهور آسیای شرقی را نشان می دهد. در این سناریوها فرض شده که سیاست نرخ بهره فدرال رزرو صفر است، در حالی که در کشورهای نوظهور آسیای شرقی چنین نیست. این فرض، هیچ تفاوت کیفی در نتایج ایجاد نمی کند، اما باعث می شود اثر منفی تولید ناخالص داخلی شدیدتر از حالتی باشد که فدرال رزرو می تواند نرخ بهره را کاهش دهد.

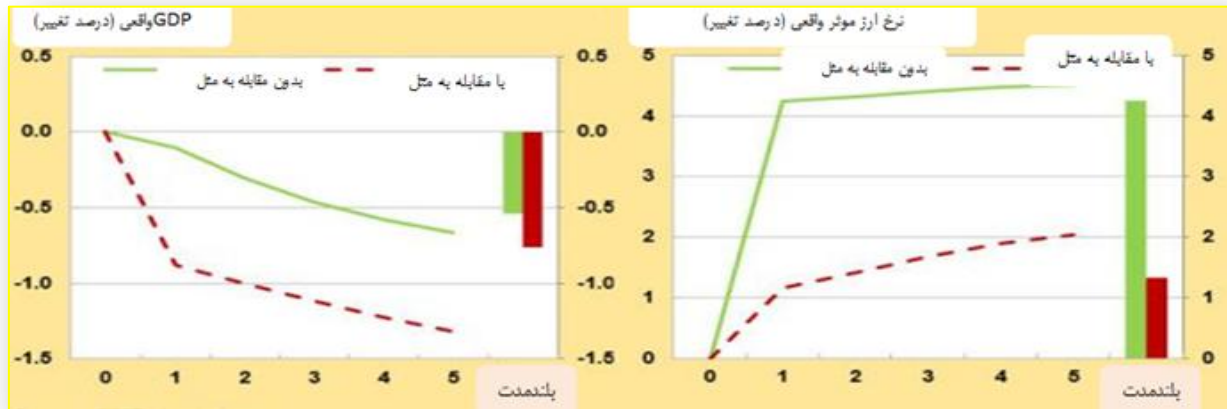
نمودار ۱، دو سناریو را نشان می دهد. یکی اینکه کشورهای نوظهور آسیای شرقی با تعرفه های وارداتی ایالات متحده امریکا مقابله به مثل نکنند (خط سبز) و سناریوی دیگری اینکه، مقابله به مثل کنند (خط قرمز).

³ Robert Mundell

⁴ Global Integrated Monetary And Fiscal Model

معاونت بررسی های اقتصادی

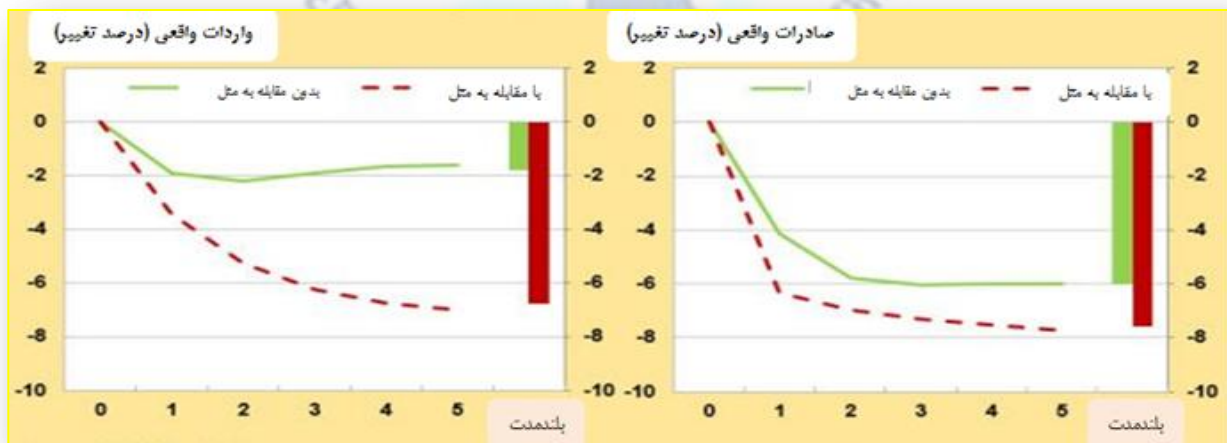
نمودار ۱- اثرات وضع تعرفه ۲۰ درصدی بر واردات از کشورهای نوظهور آسیای شرقی در اقتصاد کلان امریکا



منبع: صندوق بین المللی پول-سپتامبر ۲۰۱۶

تحت هر دو سناریو، همانطور که ماندل پیش بینی کرده بود، با وضع تعرفه ۲۰ درصد توسط امریکا بر واردات از اقتصادهای نوظهور آسیای شرقی، GDP واقعی کاهش و ارزش دلار افزایش می یابد. در این شرایط، جای تعجب نیست که تولید در اقتصادهای نوظهور کاهش یابد. با مقابله به مثل، افزایش ارزش دلار کمتر خواهد بود، اما GDP ایالات متحده به مراتب بیشتر، کاهش می یابد. همچنین سرمایه گذاری حقیقی (که در نمودارها نمایش داده نشده) به دلیل کاهش فعالیت اقتصادی در ایالات متحده و قیمت های بالاتر واردات واسطه ای از آسیای شرقی - که در ساخت کالاهای سرمایه ای مورد استفاده قرار می گیرند - کاهش می یابد.

نمودار ۲- اثرات وضع تعرفه ۲۰ درصدی بر واردات از کشورهای نوظهور آسیای شرقی در صادرات امریکا



منبع: صندوق بین المللی پول-سپتامبر ۲۰۱۶

معاونت بررسی های اقتصادی

مساله کلیدی در مورد کاهش GDP این است که در ابتدا صادرات بیش از واردات کاهش می یابد (نمودار ۲). افزایش تعرفه بر واردات ایالات متحده از آسیای شرقی باعث می شود واردکنندگان به جای امریکا، از سایر کشورها خرید کنند و رشد ارزش دلار، از طریق ارزان تر کردن واردات جایگزین از سایر مناطق، تقویت خواهد شد و همزمان، دلار با ارزش تر، صادرات ایالات متحده را تحت فشار قرار می دهد و رقم صادرات را پایین نگه می دارد. بنابراین، در بُعد وسیع تر، اثر عمده تعرفه گزینشی^۵، یارانه دادن به بخش عمده واردات و مالیات گرفتن از تمام صادرات است که به تراز تجاری، تولید و اشتغال آسیب وارد می کند. علاوه بر این، در ایالات متحده امریکا، همانند بسیاری از کشورهای دیگر، مشاغل صادراتی که از دست می روند، اغلب مشاغلی هستند که پرداخت های نسبتاً بالایی نیز دارند.

چه کسی از وضع تعرفه سود می برد؟

به دلیل اینکه ایالات متحده امریکا کشور بزرگی است، وضع تعرفه (در صورت عدم وجود مقابله به مثل از سوی دیگر کشورها)، موجب می گردد تا قیمت صادرات ایالات متحده امریکا نسبت به واردات آن افزایش یابد و در نتیجه منجر به مصرف واقعی بیشتر می شود. هرچند ممکن است منافع مصرف کننده کم و گسترده باشد، اما می باید این منافع در مقابل از دست دادن مشاغل سنجیده شود. آن دسته از تولیدکنندگان بازار داخلی که به طور مستقیم با کشورهای نوظهور آسیای شرقی رقابت می کنند نیز احتمالاً سود می برند، اما صادرکنندگان و سایر صنایع رقیب واردات متضرر می شوند. تمامی این مشکلات در صورت مقابله به مثل، بدتر خواهد شد زیرا در این صورت همه متضرر می شوند.

دوباره بیاندیشید

سیاست های اقتصادی با هدف دستیابی به یک مزیت صادراتی ساختگی، موضوعی قانونی و مشروع برای مذاکره بین المللی و اعمال فشار متقابل است. در برخی موارد، اقدامات یک جانبه بر اساس قوانین سازمان تجارت جهانی، تحریم شده است اما آنهایی که سخت گیری نسبت شرکای تجاری خارجی را از طریق وضع تعرفه های تنبیهی و متقابل ترویج می دهند، بهتر است با دقت بیندیشیند. ممکن است در نتیجه این اقدامات احساس رضایتی حاصل شود؛ ممکن است صنایع خاصی تقویت شوند؛ حتی احتمال دارد تهدید به وجود آمده، شرکای تجاری خارجی را وادار به تغییر سیاست هایشان کند، اما در نهایت چنین سیاست هایی باعث آسیب وسیعی به اقتصاد داخلی کشور خواهد شد.

منبع:

IMF, (2016), "Tariffs Do More Harm than Good at Home", posted on September 8, 2016 by iMf direct.

⁵ Selective Tariff